

# بررسی یکی از نقوش تخت جمشید

## دارپوش شاه چگونگی بار میداده است

دکتر عیسی بهنام  
استاد دانشگاه تهران

کوه رحمت روی آنرا طوری صاف کرده است که کسی به فکر این نیفتاده است که در زیر آن خاک قطعه سنگی ممکن است باشد. اهمیت و ابهت و جلال این مجلس فوق العاده است و حرکات اشخاصی که در آن نمایانده شده اند کاملاً حساب شده و معنی دار است. موضوع آن نقش جلوس رسمی پادشاه و بارگاه سلطنتی است که چندین بار در نقاط دیگر تکرار شده است و این طور به نظر میرسد که مربوط به واقعه مهمی است که خواسته اند یادگار آن بماند. احتمال دارد که ارتباطی با خزانه دارپوش نداشته باشد ولی پس از اینکه آنرا نقش کردند به علی جای مناسبی برای قراردادن آن پیدا نشد و آنرا در یکی از حیاطهای خزانه قرار دادند. این مطلب نیز قابل مطالعه است و باید در این مورد تحقیق بیشتری انجام گیرد.

شاه با لباس رسمی است. لباس چین داری که مرکب از دو قسمت است و آستین آن بسیار فراخ است و بدون شك از زری های پرقیمت آن زمان ساخته شده است ولی نتوانسته اند نقش زری را روی سنگ خوب نشان دهند.

دکتر اشمیت کشف این سنگ را در حیاط کوچکی که در برابر تالار ۹۹ ستونی خزانه دارپوش قرار دارد غیر طبیعی دانسته و احتمال داده است که در ابتدا برای زینت کاخ دیگری ساخته شده بوده است.

ولی دکتر گیرشمن اظهار میکند که در ابتدا تالار تخت یا تالار شورای پادشاه در همین محلی که امروز به آن خزانه داری نام نهاده اند بوده است و بعداً تالار صد ستون برای این منظور در زمان خشایارشا ساخته شده است. آندره گدار عقیده دارد که صد ستون باشگاهی برای اجتماع سرداران و افسران ارتش بوده است و او هم برای اثبات نظر خود دلایلی می آورد که بسیار مفصل است. (شکل ۲)

در برابر شاه دو آتشدان قرار داده شده است. دکتر اشمیت عقیده دارد که در این آتشدان ها کندر میسوزانده اند و ارتباطی با مسئله پرستش آتش نداشته اند.

شاید شما متوجه نمی شوید که شاه و ولیعهد بزرگتر

در سال ۱۹۳۷ دکتر اریک اشمیت که ریاست هیئت علمی تخت جمشید را بر عهده داشت و برای مؤسسه شرق شناسی شیکاگو کار میکرد در قسمت شمال شرق کاخ خزانه دارپوش قطعه سنگ بزرگی را از زیر خاک بیرون آورد که امروز در موزه ایرانبستان است و دارپوش شاه را روی تخت عاج و طلائی خود همراه ولیعهدش خشایارشا نشان میدهد. (شکل ۱)

حمل این نقش برجسته به تهران از کارهای مشکلی بود که در آن زمان انجام گرفت زیرا هنوز وسایل امروزی برای حمل و نقل اشیاء سنگین در ایران وجود نداشت و با این حال با دقت مخصوصی آنرا در لای نمد پیچیدند و بوسیله کامیون به تهران حمل کردند و در قسمت شمال شرقی موزه ایران باستان نصب نمودند.

این نقش مرکب از سه قطعه است که به ترتیب: ۲,۰۴۵ و ۱,۶۵۵ و ۲,۵۲۵ متر طول دارد و به هم چسبیده بوده است ولی بر اثر فشار خاک از هم جدا شده است.

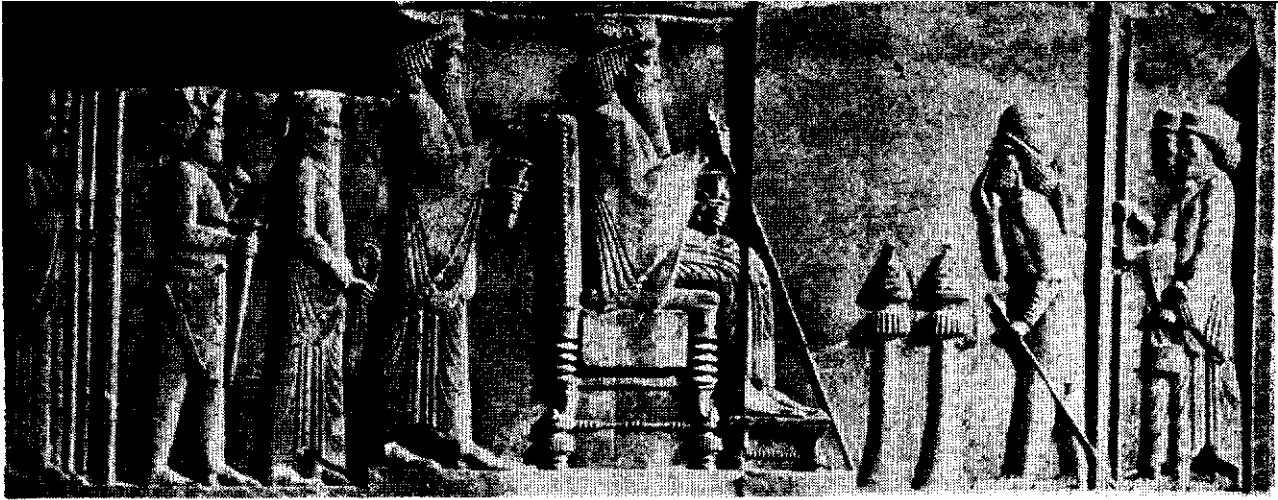
ارتفاع آن معلوم نیست زیرا قسمت فوقانی آن از میان رفته است. ارتفاع قسمت موجود ۲ر۵۴ متر است.

مطالعه این نقش برجسته بسیار جالب است و نکات دقیقی را برای ما روشن میسازد.

مانند این است که این نقش دارپوش شاه مورد خشم مخصوص سربازان اسکندر قرار گرفته است زیرا کاملاً روشن است که چشم و بینی شاه را بوسیله ضربه محکمی شکسته اند و همین عمل را با قبه عصای مرصعی که شاه در دست دارد انجام داده اند. زیرا بقیه قسمت های نقش که در زیر خاک مانده کاملاً سالم مانده و دست نخورده است و به منزله مدرک تاریخی بسیار مهمی برای ما است.

باید گفت این يك واقعه نیکی بوده است که خزانه شاهی به تمامی از خشت خام ساخته شده بوده است.

پس از اینکه سربازان اسکندر آنرا غارت کردند (وما دلیل علمی قاطع داریم که ابتدا آنرا غارت کردند و بعداً سوزانند و این آتش سوزی اتفاقی نبود) آنرا طعمه آتش کردند و خاک نرم این نقش برجسته را پوشانده و بعداً سیل و باران از بالای



۱- نقش برجسته خزانهداریوش درتخت جمشید که اکنون درموزه ایران باستان است. داریوش روی تخت نشسته به یکی از شخصیت های کشور که لباس مادی برتن دارد بار میدهد پشت سر شاه، ولیعهد او خشایارشا و بعد از وی پیشخدمت مخصوص و اسلحه دار وی ایستاده اند. این نقش بانقش برجسته درگاه های تالار تخت خشایارشا شباهت زیاد دارد.

از دیگران نشان داده شده اند. خیلی عجیب است که وقتی به این نقش نگاه میکنیم متوجه این مطلب نمی شویم و فقط مجموع آن در نظرمان مجسم میشود.

درواقع تخت بلند تاحدی هیکل پادشاه را بالا برده است که حتی در حالت نشستن هم کسی نتواند در بلندی از او برتر باشد جز ولیعهد که سرش با سر او در یک خط است.

بالای تخت شاهنشاه سایه بانی قرار داده اند که روی چهار تیرک طلا تکیه کرده است و از اطرافش منگوله هایی آویزان است. در نقش خزانۀ داریوش نقش برجسته ای که این سایه بان را نشان میداده از میان رفته است ولی در بسیاری مکان های دیگر در تخت جمشید این سایه بان وجود دارد و ما برای نمونه نقش داریوش و خشایارشا را که روی یکی از دیوارهای کاخ کوچک «سه دروازه» کنده شده است نشان میدهم. (شکل ۳) ملاحظه فرمایید که در این نقش تمام خصوصیات مربوط به داریوش در نقش خزانۀ موجود است. شاه در روی تخت بلندی نشسته عصای بلندی که علامت قدرت و پادشاهی است بردست دارد و سر خشایارشا برابر سر اوست و تخت پادشاه را نمایندگان ملل بردوش دارند و بالای سایه بان تخت نقشی که گفته اند نشان دهنده آهور مزداست دیده میشود.

تخت پادشاه ساده و بلند است و روی کف صندلی تشکچه ای قرار داده اند. میله های صندلی منبت کاری شده است.

بینی شاه و همراهانش کمی منحنی است. چشمان درشت اند و با اینکه شاه و دیگران از نیم رخ نشان داده شده اند چشمانشان از برابر نقش شده است و این عدم مهارت در نشان دادن چشم ها در نقوش مصری از چندین هزار سال پیش مرسوم بوده است. بنابراین میتوان احتمال داد که دست سنگ تراشان مصری در تهیه این نقوش دخالت داشته است.

داریوش شاه نیز در کتیبه های مربوط به پرداخت مزد کارگران نام مصری هایی را که در تخت جمشید مشغول سنگ-

تراشی هستند برده است.

در این نقش (شکل ۱) پشت سر پادشاه ولیعهد او خشایارشا نشان داده شده است ولی در واقع خشایارشا در کنار اوست. سنگ تراش قادر نبوده است بطریق دیگری او را نشان دهد. کلاه شاه و ولیعهد از کلاه دیگران بلندتر است و یونانیان این کلاه را سیداریس Cidaris نامیده اند.

پلوتارک میگوید ارشیر دوم داریوش را (که بعداً به قتل رسید) جانشین و وارث خود اعلام کرد و به او اجازه داد کلاه بلند «کیتاریس» یا «کیتانیس» Kitanis را راست به سر بگذارد. Artaxerxes 26-2

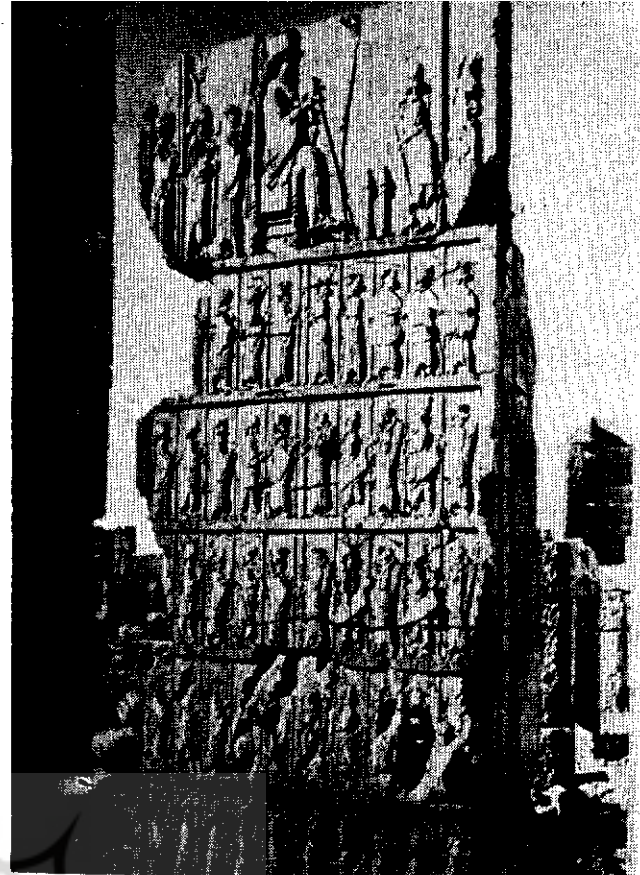
آریان در Anabasis VI-29 میگوید شخصی به نام بوریاکس Boryaxes از اهالی ماد به امر اسکندر اعدام شد زیرا کلاهش را به حال راست بر سر گذاشته خویشش را پادشاه پارسیان و مادی ها قلمداد کرده بود.

در این نقش کلاه شاه با کلاه ملازمان این اختلاف را دارد که بلندتر است و بالای آن بسته است.

در نقوش دیگر تخت کلاه پادشاه رو به بالا کمی پهن میشود و گاهی در لبۀ بالای آن برجستگی مختصری است.

عصای پادشاهی بلند است با قبۀ مدور که بوسیله یک حفرۀ بزرگ گرد برنوک عصا نصب شده است. اگر پادشاه در حال ایستاده باشد این عصا تقریباً مقابل چشم او میرسد. در نقوش دیگر همیشه شاه این عصا را بردست دارد و نشانه برتری مقام پادشاهی اوست.

استر Esther به عصای زرین پادشاه اشاره کرده میگوید که پادشاه آنرا به طرف استر گرفت و او سر آنرا با دست لمس کرد. گل زندگی یا لوتوس در دست چپ پادشاه است و دو غنچه در دو طرف گل از خصوصیات گلی است که دست افراد خانواده شاهنشاه است و در باربان گل بدون غنچه را در دست میگیرند. (شکل ۴)



۲- بدنه یکی از مدخل‌های تالار تخت با تالار صد ستون خشایارشا در تخت جمشید. در اینجا نیز مانند نقش خزانه داریوش شخصی که در حضور خشایارشا بار یافته لباس مادی بر تن دارد. تخت پادشاه روی سر عسکریان قرار گرفته است و به همین سبب آقای گدار گفته است که این تالار باشگاهی از افسران ارتش شاهنشاهی بوده است ولی آقای گیرشمن عقیده دارد که این «تالار تخت» و کاخ پذیرائی خشایارشا است.

۳- این نقش برجسته که داریوش و ولیعهدش خشایارشا را نشان میدهد روی بدنه درگاهی از «کاخ سه دروازه» در تخت جمشید برای پذیرائی مورد استفاده شاهنشاه داریوش قرار گرفته است. تخت پادشاه در زیر سایه‌بانی است و روی شانه نمایندگان ملل تابع شاهنشاهی ایران قرار دارد نشانه‌ای از اهورمزدا در بالای سایه‌بان در آسمانها در پرواز است.

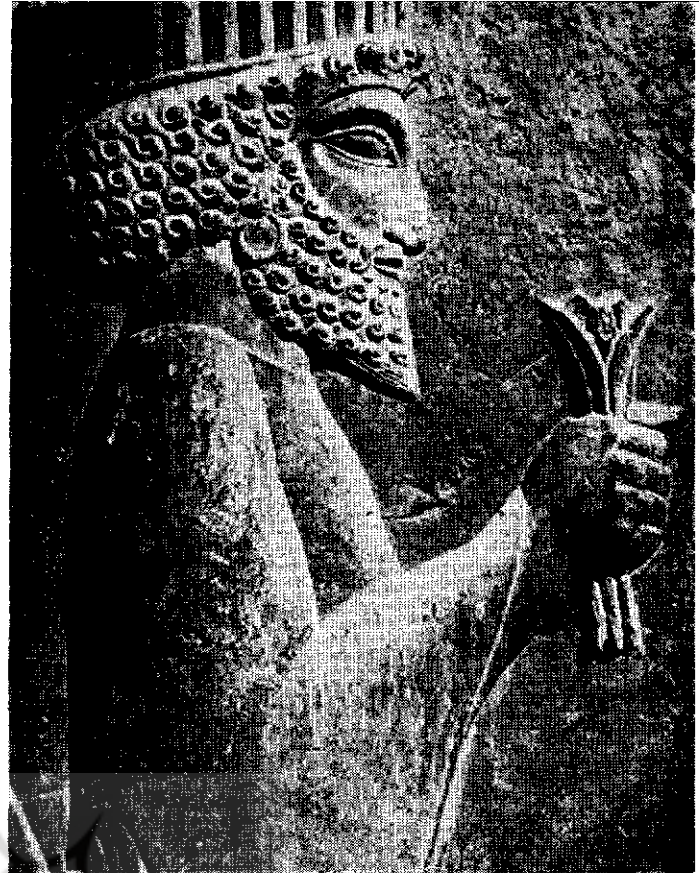
نیز چنین عصایی بردست دارند و هنوز هم در بسیاری از کشورها رئیس تشریفات عصایی بردست میگیرد و شاید این نیز یادگاری از تشریفات دربار هخامنشی است که به نقاط دیگر سرایت کرده است. احتمال دارد این شخص همان هزاربد فرمانده ده هزار نفر سرباز جاویدان باشد که «ژوستن» در *Klio XXXII. n. F. XV* از آن صحبت کرده است.

پلوتارک در بیان شرح تسخیر تخت جمشید بوسیله اسکندر از سایه‌بان یا چادر زرینی نام میبرد که اسکندر بر فراز تخت داریوش سوم زیر آن نشسته بود *Alexander 374*. این میرساند که چادر شاهی گلدوزی میشده و پارچه ارغوانی که پادشاهان هخامنشی به آن علاقه زیاد داشتند بر روی آن گسترده میشده است (همان کتاب ۳۶). در خرابه‌های خزانه يك كلاف نخبطلایی پیدا شده است. (دکتر اشمیت تخت جمشید صفحه ۱۶۵) آنتئوس *Athenaeus* به نقل از هراکلیوس در *Deipnosophistae XII. 514* میگوید تختی که پادشاه ایران هنگام انجام امور بر آن می‌نشست از طلا ساخته شده بود و دور آن چهار تیرك کوتاه طلا قرار داشت که به جواهرات مرصع شده بود و روی این چهار تیرك پارچه گلدوزی شده

ولیعهد عصای پادشاهی ندارد. دست راست خود را به حال نیایش بلند کرده است. شخصی که در برابر شاه کمر خود را به حال احترام خم کرده از مادی‌هاست و کلاه نمودی مادی با نوار مخصوص آن را بر سردارد و دست خود را به حال احترام در برابر صورت برده و این رسم هنوز هم میان ما برقرار است که کمر خود را برای ادای احترام خم کرده دست را به سینه می‌گذاریم یا به طرف صورت می‌بریم. ریش او نوک تیز است و این نشان آن است که از خاندان پادشاهی نیست. قبای بلندی بر تن دارد و شلوار او در بالا فراخ و در پایین تنگ است. وی گوشواره‌ای بر گوش دارد. اگر خنجر او بر کمرش دیده نمی‌شود برای این است که مادی‌ها خنجر را به طرف راست می‌بستند و وقتی از پهلوی چپ نشان داده میشدند سلاح آنها پیدا نبود. شاید شما میخواهید بگویید در برابر پادشاه حق نداشته است اسلحه‌ای بر کمر داشته باشد ولی در نقوش دیگری خلاف این دیده شده است. وی عصای ساده‌ای بردست چپ دارد که بصورت مایل نگاه داشته است. کسانی که وظایفی دارند آنرا به دست می‌گیرند. (شکل ۵)

حاجبانی که هیئت نمایندگی ملل را به شاه معرفی مینمایند





- ۴- یکی از پارسیان دربار شاهنشاهی - گلی که بردست دارد نشانه مقام بلند اوست و اگر این گل غنچه‌ای میداشت حاکی از این بود که از خاندان شاهنشاهی است. این نقش اکنون در بدنه یکی از پله‌های تالار سه دروازه در تخت جمشید است.
- ۵- یکی از نقوش پله بزرگ آپادانا در تخت جمشید - در این نقش یکی از منصبداران مادی یک نفر از اهالی خوارزم را برای معرفی به خدمت شاه میبرد. توجه فرمائید که خنجر این مردم به طرف راست بسته میشده و گماندان را طرف چپ قرار میدادند.

و او را به ولیعهدی خود برگزید .

گسترده بودند .

Herodote VII-1.3. و Herodote VII-2.3.

وی بعد از جنگ ماراتون (۴۹۱ - ۴۹۰) خشایارشا را به پادشاهی برگزید و سال بعد یعنی سال بعد از شورش مصر مشغول فراهم آوردن قشون بود که مرگ او را در ربود و در ماه نوامبر ۴۸۶ وفات یافت . Herodote VIII. 3.

از میان چهار نفری که در کنار سایه بان ایستاده اند یکی طرفی در دست دارد که آقای دکتر اشمیت احتمال داده است حاوی کندر باشد که در آتش دان ریخته میشده است . سه نفر دیگر شاید از منصبداران پارسی باشند که نیزه بسیار بلندی بردست دارند .

اینک با توضیحات فوق شاید بتوانید منظره بار شاهنشاهی را که در ضمن آن هزارید فرمانده در حضور ولیعهد و خواجه وفادار شاه « گبر یاس » و اسلحه دار وی « آسپاتین » گزارش میدهد در ذهن خود مجسم فرمایید و تخت شاه و سایه بان ارغوانی آن را که روی تیرك‌های زرین قرار گرفته در میان « تالار تخت » مجسم فرمایید .

شخصی که پشت سر ولیعهد است خواجه ایست که حوله‌ای بردست دارد و سیبل و ریش ندارد . پشت سر او آسپاتین یا اسلحه دار شاه است .

در پیشانی آرامگاه داریوش تصویر سه نفر از منصبداران نقل شده است که در کنار تخت پادشاه ایستاده اند . یکی از آنها که به لباس پارسی ملیس است « گوبر یاس » نیزه دار داریوش شاه است و دیگری که لباس مادی دارد « آسپاتین » اسلحه دار شاه است و از تمام جهات به اسلحه دار نقش خزانه شبیه است .

بنابراین میتوانیم ادعا کنیم که این نقش همان آسپاتین است که در آرامگاه داریوش نیز نشان داده شده بود و از شخصیت‌های بزرگ دربار داریوش شاه بوده است .

به همین طریق حوله دار شاه نیز ممکن است همان « باگپاتس » خواجه وفادار شاه باشد که بنا بر گفته کتزیاس Ctesias Persica. 50 مدت هفت سال محافظ آرامگاه داریوش اول بوده است .

داریوش اول خشایارشا را به سه پسر بزرگتر خود که پیش از به تخت نشستن وی به دنیا آمده بودند ترجیح داد